

نبض اقتصاد
را در دست بگیرید

سید معیشت کارگران ۱۱۶ درصد گران شد

خوراکی های ضروری در سبد معیشت	کیلوگرم در ماه برای هنر فر	دی ۱۴۰۴ (ریال)	مرداد ۱۴۰۳ (ریال)	درصد افزایش
برنج	۲٫۴	۶٫۹۹۰٫۵۶۹	۲٫۱۷۲٫۳۳۶	۲۲۲
ماکارونی	۰٫۶	۴۲۵٫۵۶۱	۲۴۲٫۱۱۱	۷۶
حبوبات	۰٫۷۸	۲٫۲۷۳٫۸۸۹	۸۱۱٫۸۵۲	۱۸۰
سیب زمینی	۲٫۱	۹۳۶٫۳۱۷	۴۱۸٫۲۶۴	۱۲۴
تخم مرغ	۱٫۰۵	۱٫۹۸۷٫۱۴۸	۶۸۸٫۲۶۹	۱۸۹
میوه	۸٫۴	۱۰٫۴۵۵٫۲۱۱	۴٫۴۴۲٫۴۶۱	۱۳۵
روغن	۱٫۱۴	۲٫۱۱۱٫۰۰۸	۷۳۷٫۱۶۱	۱۸۶
نان	۸٫۵۵	۵۹۸٫۵۰۰	۲۱۳٫۷۵۰	۱۸۰
قند و شکر	۱٫۲	۱٫۰۷۲٫۸۱۰	۶۷۱٫۸۸۱	۶۰
گوشت سفید	۱٫۹۲	۵٫۸۹۷٫۳۰۷	۲٫۹۰۵٫۱۸۹	۱۰۳
لبنیات	۷٫۵	۱۹٫۷۸۴٫۴۲۷	۹٫۱۲۴٫۵۲۶	۱۱۷
سبزیجات	۹	۷٫۲۸۰٫۶۲۱	۳٫۷۰۴٫۷۴۳	۹۷
گوشت قرمز	۱٫۱۴	۱۱٫۹۷۹٫۲۹۳	۷٫۱۲۰٫۰۳۳	۶۸
هزینه خوراکی سبد معیشت هر کارگر	-	۷۱٫۷۹۲٫۶۶۰	۳۳٫۲۵۲٫۵۷۷	۱۱۶

از ابتدای دولت چهاردهم تا انتهای دی ماه و پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، سبد معیشت خانوارهای کارگری نسبت به رقم پایان دولت سیزدهم، ۱۱۶ درصد گران تر شده است. این در حالی است که حداقل حقوق کارگران نسبت به پایان دولت سیزدهم ۴۵ درصد و دستمزد سایر سطوح حقوق بگیر کارگران هم ۲۲ درصد بیشتر شده است. بنابراین قدرت خرید کارگران در دولت چهاردهم تاکنون کمتر از نصف شده است.

هزینه مواد خوراکی سبد معیشت یک خانوار کارگری (براساس بُعد خانوار ۳٫۳ نفری) در پایان دولت سیزدهم ۱۰ میلیون و ۹۷۳ هزار تومان بود که در دی ماه امسال و پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی به ۲۳ میلیون و ۶۹۱ هزار تومان افزایش پیدا کرده است.

یعنی خانوار کارگری هم اکنون برای خرید سبد مواد خوراکی ضروری در طول ماه باید حدود ۱۳ میلیون تومان پول بیشتری نسبت به پایان دولت شهید رئیسی پردازد که نتیجه گرانی شدید مواد غذایی در دولت چهاردهم خصوصاً پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی است.

هزینه های خوراکی سبد معیشت کارگران براساس سبد ارائه شده از سوی انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور (با همکاری دانشکده علوم تغذیه و رژیم شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران)، برای میزان کالری مورد نیاز هر فرد محاسبه می شود.

این موسسه، حداقل کالری مورد نیاز افراد را تعیین می کند که شامل ۱۳ ماده غذایی اصلی است که می تواند نیازهای تغذیه ای روزانه افراد را برآورده کند. این سبد شامل اقلام مختلفی است که مصرف روزانه و ماهانه آن ها به میزان مشخص، احتمال بروز مشکلات ناشی از سوء تغذیه را کاهش می دهد؛ به عبارت دیگر، اگر افراد این اقلام را مطابق با توصیه های انستیتو مصرف کنند، دچار کمبودهای غذایی نخواهند شد.

با محاسبه سرانه مصرف اعلامی انستیتو تغذیه برای هر گروه مواد غذایی و قیمت آنها طبق اطلاعات مرکز آمار، مشخص می شود که هزینه های خوراکی سبد معیشت غذایی در پایان دولت سیزدهم (مرداد ماه ۱۴۰۳) برای هر نفر ۳ میلیون و ۲۲۵ هزار تومان بوده است اما در دی ماه امسال به ۷ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان افزایش پیدا کرده است.

بدین ترتیب هزینه مواد خوراکی سبد معیشت یک خانوار کارگری (براساس بُعد خانوار ۳٫۳ نفری) در پایان دولت سیزدهم ۱۰ میلیون و ۹۷۳ هزار تومان بود که در دی ماه امسال به ۲۳ میلیون و ۶۹۱ هزار تومان افزایش پیدا کرده است.

آیا مصرف برق در ایران ۳ برابر کشورهای اروپایی است؟



اعضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف با تأیید اینکه هدف دولت از پافشاری بر مصرف بالای برق، افزایش نرخ آن است یادآوری کرد از ابتدای سال برق چندین بار گران شده اما باز هم توانیر مدعی ضرر و زیان است.

به گزارش خبراتلایین، مسعود پزشکیان اخیراً برای بار چندم مدعی شده که مصرف برق در ایران سه برابر کشورهای اروپایی است. این ادعا در حالی مطرح می شود که اغلب آمارها چنین موضوعی را رد می کنند و نشان می دهند تنها ایرانیان برق بیشتری مصرف نمی کنند، بلکه به طور چشمگیری سرانه مصرف برق در ایران کمتر از ساکنان قاره اروپا است.

شنیده ها از اطرافیان دولت حاکی از آن است که پس از حذف ارز ترجیحی، تیم اقتصادی دولت در پی تحمیل یک شوک جدید به بخش انرژی نیز هست؛ اقدامی که در صورت وقوع، به طور قطعی می تواند نرخ تورم را به شدت افزایش دهد. شاخص تورم حتی پیش از وقایع اخیر نیز وضعیت نامناسبی داشت و پس از یک سال وقفه در ۱۴۰۳، دوباره وارد کانال ۴۰ درصدی شده است.

برآوردها نشان می دهد تورم کشور، حتی اگر هیچ اتفاق تحرک کننده دیگری رخ نهد، دست کم تا پایان سال آینده روند افزایشی خود را ادامه خواهد داد و از زمستان ۱۴۰۵

لبنیات در آستانه حذف از سفره مردم



افزایش قیمت ها الگوی مصرف خانوارها را تغییر داده است؛ تا جایی که در صف های کالبرگ، برنج، مرغ و روغن جلوتر از لبنیات قرار گرفته اند. مشاهدات میدانی نشان می دهد بسیاری از خانوارها در شرایط توری، کالاهای سبک کننده تر را در اولویت قرار می دهند و خرید شیر، ماست و پنیر را به حداقل می رسانند. روندی که اگر ادامه یابد، می تواند سلامت عمومی را تحت تأثیر قرار دهد.

به گزارش ایسنا، براساس آمارها و گزارش های رسمی منتشر شده در سال های اخیر، سرانه مصرف لبنیات در ایران به حدود ۶۰ تا ۷۰ کیلوگرم در سال رسیده؛ این در حالی است که استاندارد جهانی مصرف لبنیات، رقمی حدود ۱۶۰ کیلوگرم عنوان می شود. کاهش مصرف شیر، ماست و پنیر در سبد خانوار، به ویژه در دهک های درآمدی پایین، نشان می دهد لبنیات بیش از آنکه یک کالای ضروری باقی بماند، به کالایی نیمه لوکس تبدیل شده است. کارشناسان حوزه تغذیه بارها هشدار داده اند که تداوم این روند می تواند به افزایش بیماری های مرتبط با کمبود کلسیم، پوکی استخوان و سوء تغذیه پنهان در سال های آینده منجر شود.

حذف ارز ترجیحی؛ نقطه عطف افزایش قیمت لبنیات

حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی در سال های گذشته، اگر چه با هدف اصلاح ساختار یارانه ها و جلوگیری از رانت اجرا شد، اما آثار آن بر بازار لبنیات به سرعت نمایان شد. افزایش قیمت نهاده های دامی، بالا رفتن هزینه تولید شیر خام و در نهایت رشد قیمت محصولات لبنی، زنجیره ای از گرانی را رقم زد که مستقیماً مصرف کنندندهایی را هدف قرار داد.

پس از حذف ارز ترجیحی، قیمت شیر، ماست، پنیر و سایر فرآورده های لبنی در چند مرحله افزایش یافت؛ به گونه ای که برخی اقلام لبنی رشد چند برابری قیمت را در مدت زمانی کوتاه تجربه کردند. این شرایط، کاهش تقاضا و افت مصرف را به دنبال داشت و براساس مشاهدات میدانی خبرنگار ایسنا، ماست دبه ای کم چرب ۲ کیلویی ۱۶۵ هزار تومان، ماست پرچرب دبه ای ۲ کیلو و ۷۰۰ گرمی ۳۶۹ هزار تومان، پنیر خامه ای ۱۰۰ گرمی ۲۵ هزار تومان، پنیر ۲۵۰ گرمی ۱۲۲ هزار تومان، پنیر ۵۱۰ گرمی کم چرب ۱۵۹ هزار و ۵۰۰ تومان، پنیر سفید ۲۱۰ گرمی ۷۰ هزار تومان به فروش می رسد که نسبت به ماه های گذشته و یا حتی هفته های گذشته افزایش قیمت قابل توجهی داشته است.

خود را بی تقصیر جلوه دهد.

اوعی درباره اظهارات پزشکان گفت: بعید می دانم مردم ایران با این سطح رفاه عمومی، مصرف گرانه تر از اروپایی ها باشند. اما حتی اگر فرض کنیم ایرانیان سه برابر مردم اروپا برق مصرف می کنند، این نوع قیاس از اساس اشتباه است و نمی توان از آن نتیجه گیری سیاستی کرد. ما باید مصرف کل انرژی را مقایسه کنیم، نه صرفاً برق یا گاز را به صورت جداگانه.

به گفته این استاد دانشگاه، اقلیم و شرایط جغرافیایی نیز تأثیر مستقیمی بر مصرف انرژی دارد. در مناطق بسیار سردسیر یا گرمسیر، مصرف انرژی متفاوت است؛ بنابراین مقایسه سرانه مصرف کشورها بدون در نظر گرفتن این عوامل، از پایه دچار ایراد است.

وی تأکید کرد: حتی اگر کشوری دو برابر کشور دیگر برق مصرف کند، نمی توان آن را «بید مصرف» دانست. اگر تولید ناخالص داخلی کشوری بیشتر باشد، مصرف بالاتر انرژی می تواند نشانه رونق اقتصادی و رفاه بالاتر باشد، نه نکته ای منفی. در نتیجه، چه آمارهای اعلام شده درست باشند و چه نادرست، این قیاس قابل اتکا نیست و نمی توان مردم را بر این اساس سرزنش کرد.

او با انتقاد از سخنان رئیس جمهور گفت: ما در مصرف گاز وضعیت مطلوبی نداریم، اما این به معنای مصرف گرای مردم نیست، بلکه به معنای الگوی مصرف نامناسب و زیرساخت های ناکارآمد است. پیشنهاد استفاده گسترده از برق برای گرمایش و پخت و پز یا حرکت به سمت خودروهای برقی در تئوری قابل دفاع است، اما تحقق آن نیازمند زیرساخت و نظام تصمیم گیری کارآمد است؛ موضوعی که تجربه چند دهه گذشته نشان داده با چالش های جدی روبه روست.

با وجود هزینه های سنگین شوک انرژی و جهش های توری ماه های دی و بهمن، شنیده ها از حرکت تیم اقتصادی دولت برای اعمال شوک انرژی حکایت دارد. این موضوع سبب شده سخنان پزشکان نیز از سوی برخی تحلیلگران به عنوان مقدمه ای برای اجرای یک سیاست شوک درمانی جدید تفسیر شود.

اوعی در این باره گفت: این تحلیل چندان دور از ذهن نیست و به نظرمی رسد چنین اقدامی در دستور کار قرار دارد. پیش تر نیز افزایش قیمت ها آغاز شده بود؛ به طوری که در ماه های اخیر، قیمت برق صنایع تا هشت برابر افزایش یافته، بدون آنکه اطلاع رسانی شفاف صورت گیرد. به گفته او، شرکت توانیر در حال ارائه محاسباتی است که زیان ده بودن رالقا می کند، در حالی که در همین مدت حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان سود ثبت شده است و با این حال، تمایل به افزایش بیشتر قیمت برق وجود دارد.

وی در پایان تأکید کرد: آقای پزشکان فردی صادق است، اما به گفته او، ساده باوری در پذیرش برخی تحلیل های اطرافیان می تواند برای کشور هزینه ساز شود.

در مجموع، کارشناسان اقتصادی با یادآوری تبعات حذف ارز ترجیحی، نسبت به پیامدهای احتمالی افزایش قیمت انرژی و شوک جدید در بازار برق و گاز هشدار می دهند و معتقدند چنین اقدامی می تواند بر شدت رکود توری و فشار معیشتی خانوارها بیفزاید.



بورس کالا مقصر اصلی آشتگی بازار فولاد

عرفان اتاسکی

نویسنده

چنین تصمیماتی بی تأثیر نیست. با این وجود، باید تأکید کرد که این نوع مهندسی قیمتی معمولاً در بازه‌های کوتاه چند هفته‌ای طی سال رخ می‌دهد و این گونه نیست که تصور شود در تمام ۱۲ ماه سال قیمت‌ها در حال مهندسی شدن هستند.

برای نمونه، در تیرماه امسال، طی حدود دو تا سه هفته، قیمت‌ها و متعادل سازی بازار محسوب می‌شود؛ با این حال، واقعیت آن است که این نهاد در مقاطعی از سال عملکردی معکوس از فلسفه وجودی خود بروز می‌دهد و به جای تنظیم منطقی نسبت عرضه و تقاضا، با استفاده از فرمول‌گذاری‌های مهندسی‌شده، قیمت‌ها را به سمت بخشی از صنایع هدایت می‌کند. البته نمی‌توان از این نکته نیز غافل شد که فشار برخی بخش‌های صنعتی و میزان نفوذ آن‌ها در ساختارهای رگولاتوری، اعم از بورس کالا و وزارت صمت، در شکل‌گیری

مشاهده می‌شود. قیمت شمش در بورس طی هفته جاری به‌طور میانگین ۴۵۳۰۰ تومان بوده که با احتساب هزینه حمل، به‌صورت میانگین ۴۷۳۰۰ هزار تومان درب کارخانه نوردکار تمام می‌شود. این قیمت‌کننده با تغییر در فرمول قیمت‌گذاری نزدیک به ۲ هزار تومان در هر کیلو کاهش یافت؛ اقدامی که با اعتراض شدید تولیدکنندگان مواد معدنی و انجمن سنگ‌آهن مواجه شد، هرچند در مقابل، به نفع بخش آهن اسفنجی یا همان رسته آهنی تمام شد. در شرایط فعلی نیز اگر تابلو معاملات شمش فولاد و بازار مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، نتایج قابل تأملی



تفاوت منابع حذف ارز ترجیحی با مصارف کالا برگ

منابع و مصارف کالا برگ ناشی از حذف ارز ترجیحی در جدول بودجه ۱۴۰۴ تفاوت جدی ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دارند.

نگاهی دقیق‌تر به جدول شماره ۱۴ بودجه سال ۱۴۰۵ که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در انتظار تأیید شورای نگهبان است، از یک شکاف قابل توجه میان منابع و مصارف ناشی از حذف ارز ترجیحی پرده برمی‌دارد؛ شکافی که در صورت عدم شفاف‌سازی، می‌تواند به یکی از ابیهامات بودجه سال آینده تبدیل شود.

در بخش منابع این جدول، مجلس رقم ۵۴۴ همت را به‌عنوان مابه‌التفاوت ناشی از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و یکپارچه‌سازی نرخ ارز برای تأمین کالاهای اساسی در نظر گرفته است. این در حالی است که در بخش مصارف، حدود ۹۹۶ همت برای پرداخت کالا برگ به مردم بابت جبران آثار حذف ارز ترجیحی پیش‌بینی شده است.

به بیان ساده، هزینه اجرای سیاست جدید تقریباً دو برابر منبعی است که به‌عنوان محل تأمین آن معرفی شده و همین موضوع، پرسش‌های جدی درباره نحوه تراز این بخش از هدفمندی یارانه‌ها ایجاد کرده است.

بر اساس اجرای آزمایشی این سیاست از دی‌ماه ۱۴۰۴ و هم‌زمان با حذف ارز ترجیحی، ماهانه به حدود ۸۳ میلیون نفر کالا برگ یک میلیارد تومانی اختصاص یافته است. اگر این پرداخت‌های ۱۲ ماهه تداوم یابد، مجموع اعتبار مورد نیاز به حدود ۹۹۶ همت خواهد رسید؛ بنابراین رقم درج‌شده در بخش مصارف، با فرض ثبات مبلغ کالا برگ و تداوم پوشش جمعیتی فعلی، منطقی و قابل محاسبه است؛ به عبارت دیگر، سمت هزینه سیاست تقریباً شفاف است و پرمبنای یک فرمول ساده (تعداد مشمولان ضریب مبلغ ماهانه ضریب ۱۲ ماه) به دست می‌آید.

اما ابهام اصلی در سمت منابع قرار دارد. مبنای محاسبه ۵۴۴ همت چیست؟ اگر اختلاف نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی با نرخ جدید تأمین ارز کالاهای اساسی ملاک باشد، باید مشخص شود که این

اختلاف دقیقاً بر چه نرخی محاسبه شده است. در ابتدای اسفند ۱۴۰۴، نرخ ارز تأمین کالاهای

اساسی به حدود ۱۳۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی فاصله‌ی بیش از ۱۰۰ هزار تومان با نرخ قبلی. در صورت یکپارچه‌سازی کامل نرخ ارز، حتی این رقم نیز می‌تواند متغیر باشد؛ بنابراین بدون اعلام رسمی نرخ مبنای محاسبه و همچنین حجم ارزی تخصیصی برای واردات کالاهای اساسی در سال ۱۴۰۵، برآورد ۵۴۴ همت قابل راستی‌آزمایی نیست.

نیت برآورد کلی به جای اعمال یک محاسبه شفاف و قابل پیگیری

برای نمونه، اگر فرض شود در سال آینده چند میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی اختصاص یابد، مابه‌التفاوت نرخ قدیم و جدید باید در حجم کل ارز ضرب شود تا عدد نهایی منابع به دست آید؛ اما در حال حاضر نه حجم دقیق ارز وارداتی مشخص است و نه نرخ تسعیر نهایی که مبنای محاسبه قرار گرفته است. همین دو مجهول، باعث می‌شود عدد ۵۴۴ همت بیشتر شبیه یک برآورد کلی باشد تا نتیجه یک محاسبه شفاف و قابل پیگیری.

سه پیامد گنجاندن ارقام غیر شفاف

از منظر بودجه‌ای، چنین فاصله‌ای میان منابع و مصارف می‌تواند سه پیامد داشته باشد. نخست آنکه ممکن است بخشی از منابع اجرای کالا برگ از محل‌های دیگری در جدول هدفمندی یا حتی از طریق جابه‌جایی ردیف‌ها تأمین شود که در این صورت شفافیت بودجه‌ای کاهش می‌یابد. دوم آنکه در صورت تحقق نیافتن منابع پیش‌بینی‌شده، دولت ناچار به تعدیل مبلغ کالا برگ یا کاهش تعداد مشمولان خواهد شد. سومین سناریو نیز بروز کسری پنهان در اجرای سیاست است که می‌تواند خود را در قالب بدهی دولت یا فشار بر پایه پولی نشان دهد.

نکته قابل توجه دیگر آن است که با یکپارچه‌سازی نرخ ارز، ریسک نوسان نرخ در طول سال افزایش می‌یابد. اگر نرخ ارز افزایش بیشتری پیدا کند، منابع حاصل از مابه‌التفاوت نیز تغییر خواهد کرد؛ اما از آنجا که مبلغ کالا برگ فعلاً ثابت در نظر گرفته شده، هرگونه نوسان می‌تواند تراز این بخش را بر هم بزند. در مقابل، اگر دولت تصمیم به افزایش مبلغ کالا برگ بگیرد، شکاف میان منابع و مصارف عمیق‌تر خواهد شد.

به این ترتیب، جدول ۱۴ بودجه ۱۴۰۵ از یکی از حساس‌ترین بخش‌های خود با ابیهامی جدی روبه‌روست. در حالی که سیاست حذف ارز ترجیحی و جایگزینی آن با کالا برگ، یکی از مهم‌ترین تصمیمات اقتصادی سال‌های اخیر محسوب می‌شود، انتظار می‌رود مبنای محاسباتی منابع آن نیز به همان اندازه شفاف و قابل دفاع باشد. در غیر این صورت، فاصله ۴۵۲ همتی میان منابع و مصارف می‌تواند در عمل به چالشی جدی برای اجرای بدون تنش این سیاست در سال آینده تبدیل شود.

زیان سالانه ۲۱ میلیارد دلاری به دلیل ناترازی گاز در کشور



طبق آمارها در زمستان گذشته، ناترازی نزدیک

به ۴۰ درصد کل تولید گاز کشور بود که ریشه اصلی آن، جهش مصرف بخش خانگی و تجاری‌های خرد بود که با اجرای طرح کارور گاز از امسال شاهد کاهش ناترازی گاز بوده‌ایم. ایران سال‌هاست با مشکل ناترازی گاز روبه‌روست؛ چالشی که علاوه بر تهدید رفاه خانوارها در فصل زمستان، صنایع راهبردی نظیر فولاد، پتروشیمی و سیمان را نیز با محدودیت تأمین انرژی مواجه می‌کند. میانگین ناترازی روزانه گاز از ۱۵۵ میلیون مترمکعب در سال ۱۳۹۹ به ۱۷۴ میلیون مترمکعب در سال ۱۴۰۰ رسیده و در ماه‌های سرد سال از ۳۰۰ میلیون مترمکعب فراتر می‌رود. بر اساس پیش‌بینی‌های رسمی، این کسری تا سال ۱۴۱۰ می‌تواند به ۶۰۰ میلیون مترمکعب در روز برسد.

در این میان، تمرکز صرف بر افزایش عرضه با موانع زمانی و مالی جدی همراه است؛ توسعه میدان‌های جدید گازی به ۱۰ تا ۲۰ سال زمان و حدود ۷۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. در مقابل، طرح «کارور گاز» که به تصویب هیات وزیران رسیده، با تمرکز بر مدیریت تقاضا و بهینه‌سازی مصرف خانگی، به‌عنوان راهکاری سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر مطرح شده است.

در شرایطی که بحران ناترازی گاز در ایران سالانه میلیارد‌ها دلار خسارت به اقتصاد وارد می‌کند، به گفته کارشناسان اجرای آزمایشی طرح بهینه‌سازی مصرف گاز در برخی از شهرهای کشور از جمله اردکان نتایج بسیار مطلوبی بر جای گذاشته است.

طبق آمارها اجرای این طرح با مدیریت بخش خصوصی، به نتایج موفق در مدیریت تقاضا تبدیل شده است. نتایج این طرح نشان می‌دهد میزان صرفه‌جویی روزانه گاز از ۱.۹۳ مترمکعب به‌ازای هر مشترک در فاز فرهنگ‌سازی، به ۷.۲۴ مترمکعب در فاز نوسازی تجهیزات افزایش یافته و زمینه را برای مدیریت پایدار مصرف فراهم کرده است. پیش از این سعید توکلی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در مراسم امضای قرارداد با ۲۲ شرکت کارور در حوزه گاز اظهار داشت: موضوع کارورها اگرچه مبحث جدیدی است، اجرای آن به دلیل عملیاتی بودن دشواری‌های خاص خود را دارد. این موضوع اکنون از حیطة اختیارات صرف وزارت نفت و شرکت ملی گاز ایران فراتر رفته و به‌عنوان ضرورت قانونی در برنامه هفتم پیشرفت دیده شده و مصوبه هیات وی ادامه داد: این طرح از سسوی وزارت نفت به صورت جدی دنبال می‌شود و تیمی متخصص با همکاری معاونت برنامه‌ریزی و تک‌بعدی نیست و ذی‌نفعان متعددی دارد. که ممکن بود ایجاد ابهام کند، شفاف‌سازی شود، به دنبال این اقدام‌ها، برخی شرکت‌های کارور فعالیت عملیاتی خود را آغاز کرده‌اند.

به گفته مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران بهره‌وری انرژی موضوعی تک‌بعدی نیست و ذی‌نفعان متعددی دارد. توکلی ادامه داد: شرکت‌های کارور در واقع موضوع مدیریت انرژی را «مردمی‌سازی» کرده‌اند و امروز در تاریخ فعالیت وزارت نفت و شرکت ملی گاز ایران روزی مهم به‌شمار می‌آید. وی خطاب به نمایندگان شرکت‌های کارور گفت: در ارزیابی‌های اولیه تلاش شد به دلیل نوسان در این مسیر،

به حدود ۴۰ درصد تولید کشور رسید که عمدتاً ناشی از رشد مصرف در بخش خانگی و تجاری خرد بود. این وضعیت دولت را ناگزیر به محدود‌سازی یا قطع گاز صنایع بزرگ کرد. برآوردها نشان می‌دهد خسارت‌های ناشی از ناترازی شامل موارد زیر است:

بخش نیروگاهی: حدود ۱۱ میلیارد دلار در سال به دلیل استفاده از سوخت‌های جایگزین مانند مازوت و گازوئیل با هزینه‌های بالابتزر.

صنایع راهبردی از جمله پتروشیمی و فولاد: حدود ۳ میلیارد دلار زیان سالانه ناشی از کاهش تولید.

صادرات گاز: حدود ۲ میلیارد دلار کاهش درآمد به دلیل عدم تحقق کامل تعهدات صادراتی به ترکیه و عراق.

وی ادامه داد: در مجموع، زیان مستقیم این بخش‌ها حدود ۱۶ میلیارد دلار برآورد می‌شود. وی توضیح داد: روزانه حدود ۶۰ میلیون مترمکعب گاز که می‌تواند برای تزریق به مخازن نفتی استفاده شود، به مصرف جاری می‌رسد و از افزایش ظرفیت تولید نفت در آینده جلوگیری می‌کند. همچنین محدودیت ۵۵ درصدی گاز صنایع در زمستان گذشته، حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان (معادل ۵ میلیارد دلار) زیان به همراه داشته است.

راهکاری کم‌هزینه با ظرفیت ملی

بر اساس برآوردها، اجرای سراسری طرح بهینه‌سازی مصرف گاز خانگی می‌تواند طی سه تا پنج سال، روزانه ۱۹۷ میلیون مترمکعب گاز آزادسازی کند؛ رقمی معادل کل ناترازی فعلی کشور. این در حالی است که توسعه میدان‌های جدید گاز نیازمند صرف زمان و منابع مالی قابل توجه است. طرح کارور گاز با اتکا به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اجرا می‌شود و بار مالی مستقیمی بر دوش دولت یا مردم تحمیل نمی‌کند. تجربه اردکان یزد نشان می‌دهد تمرکز بر نوسازی تجهیزات گرمایشی می‌تواند راهکاری عملی، پایدار و اقتصادی برای عبور از بحران ناترازی گاز کشور باشد.

خسارت‌های اقتصادی ناترازی گاز

حسینی کارشناس انرژی اظهار داشت: ناترازی گاز در فصل زمستان به اوج می‌رسد. زمستان سال گذشته، کسری گاز

با عبور از این محاسبات، واقعیت بازار آزاد حتی نگران‌کننده‌تر به نظر می‌رسد؛ به‌گونه‌ای که نوردکاران در معاملات روز بازار، میلگرد خود را با احتساب ارزش افزوده در بازه ۵۱ تا ۵۱۵۰۰ معامله می‌کنند. استمرار چنین وضعیتی این گزاره را تقویت می‌کند که در سال آینده ممکن است حتی تعداد محدودی از واحدهای نوردی نیز در مدار تولید باقی بمانند و بخش قابل توجهی از آن‌ها با خطر ورشکستگی مواجه شوند.

اما ریشه مسئله در کجاست؟

بورس کالا در ماه‌های گذشته فرمولی برای تعیین قیمت پایه محصولات فولادی ابلاغ کرد که متشکل از سه مؤلفه میزان عرضه و تقاضا، درصدی از میانگین قیمت شمش و دلار مرکز مبادله بود؛ فرمولی که مبنای آن به‌صورت هفتگی و متأثر از نوسانات نرخ ارز تغییر می‌کرد. کارکرد چنین فرمولی در شرایط نوسان ارزی، به‌شدت بر بازار اثرگذار بوده و عملاً به عاملی تعیین‌کننده در جهت‌دهی قیمت‌ها تبدیل شده است. در همین چارچوب باید یادآور شد که در سال‌های گذشته، فصل زمستان به‌دلیل قطعی گاز و محدودیت‌های انرژی، همواره دوره اوج رقابت بر سر شمش فولادی محسوب می‌شد؛ اما در شرایط فعلی، به‌واسطه قیمت‌گذاری‌های انجام‌شده و افزایش قابل توجه قیمت شمش فولادی، حجم معاملات حتی به ۵۰ درصد ظرفیت نیز نمی‌رسد و بخش عمده‌ای از تولیدکنندگان نوردی عملاً دست از تولید کشیده‌اند تا وضعیت نرخ شمش اصلاح شود. بررسی آمار شش‌ماهه بورس کالا نیز نشانه‌هایی از نوعی مهندسی در بازار شمش را نشان می‌دهد که در ماه اخیر به نقطه اوج خود رسیده است.

بر اساس آمار شش‌ماهه گذشته، رشد قیمت دلار در بازار آزاد تقریباً ۷۲ درصد بوده، در حالی که شمش فولاد ۸۴ درصد، میلگرد ۴۶ درصد، گندک ۴۱ درصد و کاستناتر ۲۶٫۳ درصد رشد قیمت را تجربه کرده‌اند. این شکاف آماری به‌روشنی نشان‌دهنده عقب‌ماندگی بخش‌هایی از زنجیره نسبت به نرخ شمش است. در حال حاضر تولیدکنندگان شمش آهن اسفنجی را با قیمت نهایی ۲۳ هزار تومان خریداری کرده و شمش ۴۵ هزار تومانی به بازار عرضه می‌کنند؛ حاشیه سودی قابل توجه که عملاً از مسیر سازوکار بورس کالا به حلقه میانی زنجیره تزریق می‌شود.

در نهایت، اگر بورس کالا واقعاً به دنبال تحقق مأموریت اصلی خود یعنی شفافیت و تنظیم متوازن بازار است، ضروری است در سیاست‌های قیمت‌گذاری و فرمول‌نویسی، نگاه بخشی و جانبدارانه را کنار گذاشته و رویکردی جامع‌نسبت به کل زنجیره اتخاذ کند؛ موضوعی که در عمل، کمتر شاهد تحقق آن بوده‌ایم.

بررسی آمار شش‌ماهه بورس کالا نیز نشانه‌هایی از نوعی مهندسی در بازار شمش را نشان می‌دهد که در ماه اخیر به نقطه اوج خود رسیده است

تغییر نقشه درآمد‌های انرژی دولت در سال ۱۴۰۵

دولت برای سال آینده، نقشه درآمدی انرژی خود را به شکل چشمگیری تغییر داده است. بر اساس برآوردهای جدید، افزایش ۱۰ هزار بشکه‌ای مصرف روزانه نفت داخلی و توقف کامل صادرات میعانات گازی، نشان از چرخش استراتژی به سمت تأمین نیاز داخلی دارد. در این میان، گانگن اصلی تأمین منابع به فروش داخلی گاز منتقل شده است؛ به‌طوری‌که ۴۱۲ هزار میلیارد تومان از درآمد هدفمندی یارانه‌ها، مستقیماً از جیب مصرف‌کنندگان داخلی این حامل انرژی تأمین خواهد شد. بررسی ارقام مربوط به تولید، مصرف و صادرات نفت و گاز برای سال آینده نشان می‌دهد که ساختار درآمد‌های انرژی دولت، بیش از آنکه متکی بر افزایش حجم صادرات باشد، بر پایه ثبات تولید، رشد مصرف داخلی و اتکا به فروش داخلی حامل‌های انرژی تنظیم شده است؛ رویکردی که آثار آن در منابع بودجه عمومی و هدفمندی یارانه‌ها قابل مشاهده است. بر اساس برآوردهای انجام‌شده، میزان تولید نفت خام کشور در سال آینده معادل ۲ میلیون و ۷۲۲ هزار بشکه در روز پیش‌بینی شده است. از این میزان، حدوداً ۶۹۰ میلیون و ۹۵۰ هزار بشکه در روز به مصرف داخلی اختصاص خواهد یافت که نسبت به سال ۱۴۰۴، افزایشی معادل ۱۰۰ هزار بشکه در روز را نشان می‌دهد. این افزایش مصرف داخلی، بیانگر رشد تقاضای داخلی فرآورده‌های نفتی و استمرار فشار بر تراز انرژی کشور است.

در مقابل، میزان نفت خام صادراتی کشور حدوداً ۷۷۲ هزار بشکه در روز برآورد شده که با قیمت متوسط ۰۴ دلار برای هر بشکه محاسبه شده است. این ارقام نشان می‌دهد که دولت در تدوین منابع نفتی، سناریوی محتاطانه‌ای را در خصوص قیمت‌جهانی نفت در نظر گرفته و فرض‌های خوش‌بینانه قیمتی فاصله گرفته است.

برآورد صادرات صفر میعانات گازی با افزایش تقاضای داخل کشور در بخش میعانات گازی نیز، میزان روزانه حدود ۶۹۰ هزار بشکه پیش‌بینی شده است؛ اما برخلاف سال ۱۴۰۴ که صادرات روزانه ۵۰ هزار بشکه در نظر گرفته شده بود، در سال آینده کل میعانات گازی تولیدی صرف مصرف داخلی خواهد شد و عملاً صادرات این بخش به‌صفر می‌رسد. این تغییر، نشان‌دهنده تمرکز سیاست‌گذار بر تأمین نیاز داخل، به‌ویژه خوراک صنایع و پالایشگاه‌ها و کاهش اتکای بودجه به صادرات میعانات است. در حوزه گاز طبیعی، برآوردها حاکی از تولید ۲۸۹ میلیارد مترمکعب گاز شیرین در سال آینده است. از این میزان، حدود ۱۴ میلیارد مترمکعب به صادرات اختصاص خواهد یافت و مابقی در بخش‌های خانگی، نیروگاهی و صنعتی مصرف می‌شود. با توجه به سهم بالای گاز در سبد انرژی کشور، تداوم مصرف بالای داخلی ضرورتاً منجر از متغیرهای اثرگذار بر تراز انرژی و درآمد‌های دولت به‌شمار می‌رود. نکته قابل توجه در این میان، سهم فروش داخلی گاز در تأمین منابع هدفمندی یارانه‌ها است. بر اساس برآوردهای انجام‌شده، سوده‌های حاصل از فروش داخلی گاز با لحاظ مالیات بر ارزش افزوده، رقمی معادل ۴۱۲ هزار میلیارد تومان خواهد بود که به‌طور مستقیم در چارچوب منابع هدفمندی یارانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رقم، بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از منابع حمایتی دولت، نه از محل صادرات انرژی، بلکه از فروش داخلی حامل‌های انرژی تأمین می‌شود. مجموع این ارقام نشان می‌دهد که در سال آینده، اگرچه صادرات نفت خام همچنان یکی از پایه‌های اصلی درآمد‌های ارزی دولت باقی خواهد ماند اما افزایش مصرف داخلی نفت، نقش صادرات میعانات گازی و اتکای قابل توجه به فروش داخلی گاز، نقش پررنگ‌تری در ساختار منابع انرژی کشور ایفا می‌کنند. موضوعی که از یک سو، وابستگی بودجه به تحولات بازار جهانی انرژی را تا حدی کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، اهمیت مدیریت مصرف داخلی و اصلاح الگوی مصرف را بیش‌برجسته می‌سازد.



پرداخت ۲۹۰ همت یارانه نان به کدام ((ذینفع نهایی))؟

گزارش

با توجه به تصویب کامل جزئیات جدول ۱۴ بودجه سال بعد، یابستی مشخص شد ۲۹۰ همت یارانه نان به کدام ذی‌نفع می‌رسد؟ در لایحه بودجه ۱۴۰۵ و به‌ویژه در جدول شماره ۱۴، دولت تغییرات مهمی را در سازوکار پرداخت یارانه پادپش بینی کرده است؛ بخشی از این تغییرات جنبه اجرایی یافته و تکلیف آن برای سال آینده نیز مشخص شده است؛ از جمله جایگزینی پرداخت کالبرگ یک میلیون تومانی با اعتبار ۹۹۰ همت به جای تخصیص ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی.

در همین جدول ۱۴ که به تأیید کمیسیون تلفیق و اخیراً صحن مجلس شورای اسلامی نیز رسیده، یک ابهام مهم همچنان باقی است؛ یارانه نان قرار است به چه «ذی‌نفع نهایی» پرداخت شود؟ در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که موضوع یارانه از اعتبار ۵۰۴ همتی که برای خرید تضمینی گندم لحاظ شده است متفاوت است. همچنین باید توجه شود که این رقم بدون تخصیص نیست به

نسخه اولیه لایحه بودجه ۱۴۰۵ دولت، در بررسی‌های کمیسیون تلفیق بودجه مجلس نیز تصویب شده است.

۲۹۰ همت یارانه نان؛ مقصد کجاست؟

در جدول ۱۴ حدود ۲۹۰ همت منابع و به همین میزان مصارف برای پرداخت یارانه نان به «ذی‌نفع نهایی» در نظر گرفته شده است؛ اما مشخص نشده که آیا ذی‌نفع نهایی، نانوایی‌ها هستند و این منابع همچنان در قالب یارانه آرد یا مابه‌التفاوت قیمت به آن‌ها پرداخت خواهد شد؟

یا اینکه ذی‌نفع نهایی، مردم (مصرف‌کننده) هستند و قرار است یارانه نان مستقیماً به خانوارها پرداخت شود و در نتیجه قیمت نان آزادسازی یا افزایش یابد؟ این ابهام، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی دارد.

دو سناریوی محتمل در این رابطه چیست؟

سناریوی اول: تداوم پرداخت به نانوایی‌ها؛ در این حالت، دولت همان سازوکار فعلی را با اصلاحاتی ادامه می‌دهد؛ یعنی قیمت نان برای مردم کنترل می‌شود و یارانه در حلقه تولید و عرضه (آرد

اخبار



لزوم مدیریت نرخ ارز برای جلوگیری از کوچک شدن سفره مردم

دولت موظف است ابزارهای مدیریت نرخ ارز و کنترل نقدینگی را فعال کند تا از کوچک شدن سفره مردم جلوگیری شود.

نادر قلی‌ابراهیمی نایب‌رئیس کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی با اشاره به الزام قانونی دولت برای کاهش نرخ تورم تا پایان برنامه هفتم توسعه تأکید کرد: «در حال حاضر اصرار نمایندگان مجلس بر آن است که دولت محترم، روش‌هایی را اتخاذ کند که تورم از بین برود و ارزش پول ملی افزایش یابد. دولت باید شرایطی فراهم سازد که نرخ ارز به شکل شایور مدیریت‌شده کنترل شود تا تغییرات ارزی موجب افزایش قیمت‌ها و درآمذزایی کاذب برای دولت نگردد.» مجلس افزود: منشأ اصلی تورم در کشور افزایش نقدینگی و نوسانات نرخ ارز است و بانک مرکزی مسئول مستقیم کنترل این شاخص‌ها محسوب می‌شود؛ بنابراین لزوم است سیاست‌گذاری‌ها در سطح دولت و تیم اقتصادی به صورت هماهنگ پیش برود.

وی در ادامه، از تشکیل جلسات نظارتی مجلس در روزهای سه‌شنبه، به‌صورت غیرعلنی خبر داد و گفت: «در این جلسات، اشکالات اجرایی در نظام اقتصادی و روند اجرای برنامه توسعه بررسی می‌شود. حضور اعضای تیم اقتصادی شامل وزیرنفت، وزیر کار، وزیر کشاورزی، رئیس سازمان برنامه‌بودجه و رئیس بانک مرکزی در جلسات کمیسیون تلفیق، نشان از اهتمام مجلس به هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی دارد.» وی اضافه کرد: مجلس دوازدهم در قالب قانون برنامه هفتم، دولت را مکلف کرده است تا سیاست‌های کاهش تورم، توسعه اشتغال و ثبات ارزی را در دستور کار قرار دهد و این الزام باید به‌طور کامل اجرایی شود. وی درباره نرابری عرضه و تقاضا در بازار خودرو گفت: در حال حاضر تولید خودرو در کشور حدود یک میلیون دستگاه در سال برآورده می‌شود، درحالی‌که تقاضا بیشتر است. همین شکاف باعث التهاب دائم در بازار شده است.

به عنوان کرد: یکی از راهکارهای عملی برای تنظیم بازار، تسهیل واردات خودرو و اعلام منشأ آن و همکاری بانک مرکزی است. برآوردها نشان می‌دهد واردات ۱۰ هزار خودرو در سال می‌تواند با ایجاد رقابت میان خودروسازان داخلی و خارجی، موجب ارتقای کیفیت و کاهش قیمت‌ها شود. این نماینده مجلس با اشاره به ضرورت شفاف‌سازی در قیمت‌گذاری قطعات خودرو افزود: «پیشنهاد کمیسیون، ایجاد سامانه‌ای موسوم به اتاق شیشه‌ای است تا تمامی هزینه‌ها، فاکتورها و قیمت‌های قطعه‌سازان و خودروسازان مشخص باشد بدون نبریزناتوند به‌صورت شفاف از روند قیمت‌گذاری مطلع شوند.» وی همچنین یکی از چالش‌های فعلی صنعت خودرو را سهام‌داری برخی خودروسازان در شرکت‌های قطعه‌سازی دانست و گفت: این وضعیت می‌تواند باعث دو سود هم‌زمان برای یک مجموعه باشد؛ از یک‌سو با افزایش قیمت قطعات واز سوی دیگر بارشد قیمت خودرو که نیازمند نظارت جدی دستگاه‌های حاکمیتی است. این عضو کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: واردات خودرو نه باهدف ضربه‌زدن به تولید داخلی، بلکه باهدف برقراری توازن در بازار و تقویت رقابت انجام خواهد شد.

وی تأکید کرد: «در صورتی که عرضه و تقاضا به تعادل نرسد و خودروسازان نسبت به انجام تعهدات و قیمت‌گذاری شفاف مقاومت کنند، دستگاه‌های قضایی می‌توانند وارد عمل شده و برخورد لازم با تخلفات احتمالی را صورت دهند.» وی در پایان با بیان اینکه مجلس نگاهش به صنعت خودرو حمایتی است، گفت: «برنامه‌ریزی کمیسیون صنایع برای این مناسبت که در یک فرآیند چهارساله، حمایت از صنعت خودرو به شکل جدی ادامه یابد و پس از آن، با سیاست‌گذاری تعرفه‌ای، حمایت از مصرف‌کنندگان و تثبیت قیمت‌ها صورت گیرد. در واقع، مجلس قصد دارد از مسیر قانون‌گذاری و نظارت، هم تولید داخلی را توانمند سازد و هم قدرت خرید مردم را حفظ کند.»

جزئیات پروژه راهبردی ایران روسیه از زبان پیمانکار روسی

پیمانکار روسی پروژه راه‌آهن رشت-آستارا عنوان کرد که این مسیر در پنج سال به‌زودی تکمیل می‌شود؛ کریدور شمال-جنوب صرفه‌جویی هزینه‌های زمان‌ترازی است تضمین می‌کند و می‌تواند ۱۵ میلیون تن عبور دهد. پروژه راه‌آهن رشت-آستارا که حلقه‌ای حیاتی در کریدور شمال-جنوب محسوب می‌شود، با سرمایه‌گذاری و تعهد شرکت روسی «کانسپس سروسیسز» در حال پیگیری است. پوری کوزمین، نماینده این شرکت، ضمن تأکید بر نفع این پروژه برای تمامی کشورهای منطقه، ابراز اطمینان کرد که ایران شاهد احداث یک «راه‌آهن فوق‌العاده» خواهد بود.

کوزمین در تشریح برنامه زمانی این پروژه، اظهار داشت که آغاز پرداخت وام از سوی وزارت دارایی روسیه صورت خواهد گرفت، اما تعهد اصلی شرکت روسی، تکمیل مسیر ریلی رشت-آستارا در بازه زمانی کمتر از پنج سال است.

وی با رد نگرانی‌ها در خصوص تضمین حمل بار، مسئولیت آن را متوجه وزارت حمل‌ونقل روسیه و همکاری های بین‌المللی دانست و بر اهمیت شاخه غربی کریدور شمال-جنوب تأکید کرد. این مسیریلی که راه‌آهن رشت-آستارا بخشی از آن است، مستقیماً سن پترزبورگ را به بندر جنوبی ایران، از جمله بندرعباس، متصل کرده و به‌عنوان کوتاه‌ترین مسیر ترانزیتی شناخته می‌شود.

یکی از محورهای اصلی صحبت‌های کوزمین، صرفه‌اقتصادی این مسیر بود. وی توضیح داد که سرعت حمل بار در این راه‌آهن نقشی کلیدی در کاهش هزینه‌ها ایفا می‌کند؛ به طوری که طبق برنامه‌ریزی‌ها، سرعت قطارهای باری به ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت و قطارهای کانتینری به ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت خواهد رسید. این سرعت بالا، زمان ترانزیت را از درباری تا بانک تا درباری حزر به کمتر از یک هفته کاهش می‌دهد که مزیت قابل توجهی برای صاحبان بار محسوب می‌شود. نماینده «کانسپس سروسیسز» پیش‌بینی کرد که ظرفیت این مسیری ریلی، به‌ویژه در شاخه غربی کریدور شمال-جنوب، به‌حمل سالانه ۱۵ میلیون تن بار برسد. وی همچنین به نقش جمهوری آذربایجان در این کریدور اشاره کرد و حضور نمایندگان این کشور در هماهنگی‌های اخیر در تهران را نشانه‌ای از آینده روشن این همکاری داناست. کوزمین معتقد است که راه‌اندازی این پروژه به نفع تمامی کشورهای منطقه خواهد بود و روابط اقتصادی منطقه‌ای را تقویت خواهد کرد. هرچند تضمین عبور بار از این مسیر در حوزه وظایف مستقیم شرکت‌ساخت‌وساز نیست، اما سرمت بالا، کوتاه‌ترین مسیر ترانزیتی و منافع اقتصادی حاصل از آن، نویدبخش آینده‌ای پرپار برای کریدور رشت-آستارا و نقش آن در تجارت بین‌المللی است. این پروژه در صورت تکمیل، می‌تواند جایگاه ایران را به عنوان یک هاب ترانزیتی مهم در منطقه تقویت کند.

چرا تولیدکننده ملزم به افزایش قیمت می‌شود؟

وقتی ماده اولیه‌ای که ستون فقرات تولید است مدام افزایش دارد چگونه می‌توان برای تولید برنامه‌ریزی داشت! به گزارش خبرگزاری تسنیم، یازوکی رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی در خصوص دلایل افزایش قیمت لوازم خانگی در بازار که توسط تولیدکنندگان صورت گرفته است، گفت: افزایش قیمت لوازم خانگی را نباید صرفاً به تصمیم تولیدکننده تقلیل داد. واقعیت این است که تولیدکننده نه‌تنها از این وضعیت سود نمی‌برد، بلکه خود یکی از متضرران اصلی است. اینکه گفته‌شود تولیدکننده هر زمان که بخواهد قیمت را افزایش می‌دهد، تحلیل دقیقی نیست. وقتی قیمت بالا می‌رود، قدرت خرید مردم کاهش پیدا می‌کند و فروش افت می‌کند؛ در نتیجه حاشیه سود تولیدکننده هم کم می‌شود؛ بنابراین افزایش قیمت الزاماً به معنای سود بیشتر تولیدکننده نیست.

۶۰ تا ۷۶ درصدی مواد اولیه فولادی در پنج ماه؛ شوک به ستون فقرات تولید

وی با استناد به داده‌های بورس کالا در فاصله مهر تا بهمن ۱۴۰۴ می‌گوید: قیمت پایه انواع ورق‌های فولادی در این بازه پنج‌ماهه روندی کاملاً صعودی و شتاب‌دار داشته است. در برخی اقلام، جهش به حدود ۶۰ الی ۸۰ درصد رسیده که برای یک ماده اولیه صنعتی در چنین مدت کوتاهی، بی‌سابقه و بحران‌زا است. این افزایش محدود به یک محصول خاص نیست بلکه کل زنجیره فولاد را دربر گرفته است.

به گفته وی، وقتی ماده اولیه‌ای که ستون فقرات تولید است در چند ماه چنین افزایشی را تجربه می‌کند، چگونه می‌توان برای تولید برنامه‌ریزی میان‌مدت یا بلندمدت داشت؟ تولیدکننده با هزینه‌هایی مواجه است که حتی در طول یک هفته هم قابل پیش‌بینی نیست.

شکاف عجیب قیمت‌های مواد اولیه پتروشیمی با بازار جهانی
رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی اضافه کرد: موضوع جهش قیمتی مواد اولیه تنها به فولاد محدود نمی‌شود. مواد اولیه پتروشیمی نیز به گفته رئیس اتحادیه با رشد قابل توجهی همراه بوده‌اند او در این باره توضیح می‌دهد: «در حالی که قیمت‌های پیلریمی که در قطعات پيچخال، ماشین لباسشویی و وسایل لوازم خانگی کاربرد گسترده دارند، با قیمتی بین ۳۰ تا حتی ۱۵۶ درصد بالاتر از نرخ‌های جهانی به تولیدکننده داخلی فروخته می‌شوند. این یعنی تولیدکننده ایرانی ماده اولیه را چندین برابر قیمت جهانی دریافت می‌کند؛ در حالی که همان محصول نهایی باید با کالای خارجی رقابت کند.

به گفته یازوکی، سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا دولت نظارتی بر قیمت‌گذاری مواد اولیه در صنایع مادر انجام نمی‌دهد؟ نه‌تنها نظارتی بر نحوه قیمت‌گذاری انجام نمی‌شود بلکه در نحوه توزیع مواد اولیه نیز ابزارهای اساسی وجود دارد. تولیدکننده تنها ۲۰ تا ۴۰ درصد از نیاز خود را می‌تواند از طریق بورس کالا تأمین کند. ۶۰ تا ۷۰ درصد باقیمانده باید از بازار آزاد تهیه شود؛ بازاری که قیمت آن به مراتب بالاتر از بورس

یا نانوایی) تزریق می‌شود. مزیت این مدل کنترل قیمت برای مصرف‌کننده است؛ اما همچنان با چالش‌هایی مانند:

انحراف در مصرف آرد-فاچاقی یا فروش خارج از شبکه- دشواری نظارت دقیق بر عملکرد نانوایی‌ها روبه‌رو خواهد بود.

سناریوی دوم: پرداخت مستقیم به مردم؛ در این مدل، یارانه به‌صورت مستقیم به خانوار پرداخت می‌شود و قیمت نان ممکن است به نرخ واقعی نزدیک شود.

این رویکرد می‌تواند: شفافیت مالی را افزایش دهد-رانت واسطه‌گری را کاهش دهد-امکان هد فمندسازی دقیق‌تر را فراهم کند-اما در مقابل، افزایش قیمت نان به‌عنوان کالای

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازوکار اجرایی آن، برای جلوگیری از شوک‌های قیمتی و ابهام در بازار ضروری است.

نان کالایی استراتژیک در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است و هرگونه تغییر در سازوکار یارانه آن، اثر مستقیم بر معیشت دهک‌های پایین دارد. از این رو، تعیین دقیق «ذی‌نفع نهایی» در قانون بودجه و اعلام شفاف سازو



ظرفیت ۱۰ میلیارد دلاری در انتظار تصمیم‌های ارزی و مقرراتی

دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران با تأکید بر وجود دو برابر نیاز داخلی در ظرفیت تولید فولاد کشور اعلام کرد: در صورت رفع موانع ارزی، مالیاتی و مقرراتی، صادرات فولاد ایران می‌تواند از رقم فعلی ۸ میلیارد دلار عبور کرده و تا مرز ۱۰ میلیارد دلار در سال افزایش یابد.

وحید یعقوبی، معاون اجرایی و دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، سیاست حذف ارز ترجیحی و حرکت دولت به سمت یکسان سازی نرخ ارز را تصمیمی شجاعانه و مبتنی بر منطق اقتصادی دانست و گفت: تا پیش از این، تولیدکنندگان فولاد ناچار بودند از حاصل از صادرات خود را بانرخ‌های دولتی بازگردانند، در حالی که مواد اولیه و تجهیزات را بانرخ آزاد تهیه می‌کردند؛ امری که در نهایت موجب تضعیف نگاه‌های تولیدی شد. یعقوبی افزود: الزام بازگشت ارز صادراتی با نرخ‌های غیرواقعی، انگیزه صادرات را کاهش داد و در برخی موارد حتی صادرات با زیان انجام می‌شد. در چنین فضایی، کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و یک‌بار مصرف گسترش یافتند که بخش قابل توجهی از ارز صادراتی را از چرخه رسمی خارج کردند. به گفته وی، سیاست جدید دولت برای حرکت به سمت ارز تک‌نرخ، زمینه‌ساز احیای بازارهای صادراتی را فراهم کرده و انگیزه فعالان صنعت فولاد را برای حضور مجدد در بازارهای جهانی افزایش داده است.

دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران پیش‌بینی کرد که روند صادرات تا پایان سال معودی باشد و سهم تولیدکنندگان از صادرات افزایش یابد. یعقوبی خاطرنشان کرد: «در سال‌های گذشته، سهم تولیدکنندگان از صادرات برخی محصولات مانند میلگرد به زیر ۲۰ درصد رسیده بود که نشانه‌ای از بحران صادراتی محسوب می‌شد. اکنون با اصلاح سیاست‌های ارزی، این روند در حال بازگشت است.»

او در ادامه کنترل نرخ ارز در مرکز مبادله را بزرگ‌ترین چالش در مسیر واقعی سازی نرخ ارز دانست و گفت: «در صورت ادامه کنترل‌های سخت‌گیرانه، فاصله نرخ رسمی و بازار آزاد دوباره بازخواهد گشت. برای پایداری این روند، دولت باید با اصلاح تدریجی سیاست‌های ارزی و پرداخت مستقیم یارانه‌ها، ثبات راه بازار بازگرداند.» یعقوبی بر بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت اصلاح مقررات صادراتی تأکید کرد و لغو برخی معافیت‌های مالیاتی را مانعی در مسیر توسعه صادرات دانست.

او گفت: «در شرایط تحریم و مازاد تولید، حمایت از صادرات منطقی‌ترین

سیاست است و باید تعامل مؤثری میان بانک مرکزی و وزارت صمت برای

تسهیل امور صادراتی ایجاد شود.»

وی در پایان با اشاره به ظرفیت بالای تولید فولاد کشور گفت: «صادرات فولاد در سال ۱۴۰۲ حدود ۶ میلیارد دلار بود و پیش‌بینی می‌شود امسال به ۸ میلیارد دلار برسد. در صورت رفع موانع ارزی و مقرراتی، تحقق صادرات ۱۰ میلیارد دلاری کاملاً در دسترس است.»

نقشه راه اقتصاد غیرنفتی با ۱۵ هزار

کیلومتر شبکه ریلی

هدف ترانزیت ریلی کشور تا پایان برنامه هفتم توسعه به ۱۰ میلیون تن مشخص شده که تکمیل حلقه‌های مفقوده، ایجاد مشوق‌های جدید و تشکیل ستاد ملی ترانزیت از ارکان اصلی این چشم‌انداز محسوب می‌شوند. موقعیت کشور در کریدورهای اصلی East-West (شرق-غرب) و North-South (شمال-جنوب) ظرفیت بالایی را برای توسعه ترانزیت ریلی و جاده‌ای ایجاد می‌کند. همسایگی با ۱۵ کشور و وارد بودن بیش از ۵۸۰۰ کیلومتر تراز ساحلی نیز ببال‌های شتاب‌دهنده این موقعیت جغرافیایی خدادادی هستند.

کریدور شرق-غرب از شرق آسیا و به‌ویژه چین آغاز می‌شود و پس از عبور از ایران به اروپا می‌رسد، در حالی که کریدور شمال-جنوب از روسیه آغاز می‌شود و با عبور از کشورهای مسیری به هند می‌رسد.

ایران همچنین در کنار کریدور اسلام‌آباد-تهران-استانبول (ITI) و کریدور قزاقستان-ترکمنستان-ایران و شاخه‌های اصلی کریدور شمال-جنوب از مرز اینچه‌برون در شرق دریای خزر و مرز آستارا در غرب دریای خزر، به عنوان نقش‌آفرینان کلیدی ترانزیت بین‌المللی معرفی می‌شود.

در حال حاضر شبکه ریلی کشور با حدود ۱۵ هزار کیلومتر طول و ۱۲ ایستگاه مرزی، اتصال سراسری راه‌آهن ایران به کریدورهای بین‌المللی را فراهم کرده است. این ظرفیتی می‌تواند نقش مهمی در افزایش سهم ایران از بازار ترانزیت منطقه‌ای ایفا کند. به گفته مدیرکل بازرگانی خارجی راه‌آهن شهربار نفتی زاده، در سال گذشته میزان ترانزیت ریلی ۲.۵ میلیون تن و ترانزیت جاده‌ای ۱۷.۵ میلیون تن (در مجموع ۲۰ میلیون تن) بود که حاکی از رشد قابل توجه ترانزیت کشور است.

حمل‌ونقل جاده‌ای بیش از ۲۰ درصد و حمل‌ونقل ریلی حدود ۳۴ درصد در دست داشت که این جهش‌ها پایه‌ای برای اهداف بلندمدت ترانزیتی است. براساس برنامه هفتم توسعه، هدف کلان این دوره افزایش ترانزیت کشور تا پایان برنامه به ۲۰ میلیون تن است. برای رسیدن به این هدف، تکمیل و اتصال حلقه‌های مفقوده کریدورهای ترانزیتی از اهمیت بالایی برخوردار است. نقی‌زاده پروژه‌های کلیدی که در اولویت قرار دارند را شامل تکمیل مسیر چابهار-زاهدان، اتصال رشت-آستارا در کریدور شمال-جنوب و همچنین پروژه‌های مرند، ماکو و چشمه‌نرئیدر مسیر شرق-غرب عنوان کرد.

این طرح‌ها به عنوان زیرساخت‌های مسیرکشی افزایش ظرفیت ترانزیت شناخته می‌شوند و می‌توانند نقش مهمی در تقویت جایگاه ایران در زنجیره حمل‌ونقل بین‌المللی ایفا کنند. برای دستیابی به این اهداف، مشوق‌های جدیدی تصویب شده است تا انگیزه فعالان این حوزه را افزایش دهد. همچنین ستاد ملی ترانزیت (گذر) با حضور دبیری وزیرراه و شهرسازی و براساس مواد ۵۶ و ۵۷ قانون برنامه هفتم توسعه تشکیل شده است. وظیفه تمامی دستگاه‌ها در چارچوب قانون، همکاری کامل برای تحقق اهداف ترانزیتی کشور تلقی می‌شود. در پایان، با تکمیل پروژه‌های اولویت‌دار و استفاده مؤثر از مشوق‌ها، ایران گام‌های مشخصی در مسیر دستیابی به ۱۰ میلیون تن ترانزیت ریلی تا پایان برنامه هفتم توسعه برمی‌دارد و می‌تواند جایگاه خود را در زنجیره حمل‌ونقل بین‌المللی به طور قابل توجهی ارتقا دهد. گفتنی است هر تن ترانزیت کالای بین ۷۵ تا ۱۵۰ دلار درآمد ارزی به کشور تزریق می‌کند که ترانزیت این ۱۰ میلیون تن، سالانه ۱۵ میلیارد دلار درآمد خواهد داشت.

■ یکشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۴ ■ ۴ رمضان ۱۴۴۷ ■ ۲۲ February ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۰۴

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۶۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



شمارش معکوس برای انفجار بمب اتم در بازار جهانی دلار

گزارش

نظم پولی و بانکی بین‌المللی که میراثی ۷۰ساله از هژمونی دلار و زیرساخت‌های مالی آمریکا است، از دوهه پیش با نشانه‌های آشکاری از گسست و تغییر پارادایم روبه‌رو شده است. ۶۰دهه از تثبیت هژمونی دلار آمریکا به عنوان ستون فقرات نظام مالی بین‌المللی می‌گذرد.

نظامی که در پی توافقات برتون وودز و با افول امپراتوری بریتانیا شکل گرفت، برای نیم‌قرن، چون دریایی آرام، تجارت و اقتصاد جهان را در مسیرِی از پیش تعیین‌شده هدایت کرد اما این دریا اکنون طوفانی است و نشانه‌های تغییر پارادایم، افق نظامی چندقطبی را آشکارتر از همیشه ساخته است.

در این میان، ایران با تجربه زیسته خود در مواجهه با تحریم‌های فلج‌کننده، نه صرفاً یک ناظر که بازیگری است که سرنوشتش با این امواج بنیادین گره‌خورده است.

تثبیت یک نظم؛ واستگی متقابل زیر پرچم دلار

نظم کهن، میراث دوران جنگ سرد، پر سه‌رکن اصلی استوار بود که ایالات متحده آن را طراحی و جهان آن را پذیرفت.

نخست، ترویج تجارت آزاد با بهره‌گیری از نظریه مزیت نسبی بود. این سیاست، تجارت جهانی را از سال ۱۹۴۸ تا ۲۴.۵۲۰۰۸۲ برآورد. این انفجار مبادلات، به‌طور طبیعی تقاضایی عظیم برای یک ارز واسط ایجاد کرد و دلار، با پشتوانه قدرت اقتصادی و نظامی آمریکا،

این نقش را بر عهده گرفت. این موقعیت به واشنگتن امتیازی

استثنایی داد، توانایی تأمین مالی کسری تجاری عظیم خود با چاپ پول. آمریکا برای خرید از جهان، نیاز چندانی به فروختن

به جهان نداشت. کسری تراز تجاری که گاه به دو برابر صادرات می‌رسید، به سادگی با فروش اوراق قرضه خزانه‌داری به همان

کشورها جبران می‌شد. رکن سوم اما شاید حیاتی‌تر بود، کنترل بر لوله‌کشی پول. شبکه کارگزاری بانکی، سیستم سوئیفت و غول‌های کارت اعتباری مانند ویزا و مسترکارت، همگی زیرساخت‌هایی بودند که جریان دلار را در انحصار آمریکا درمی‌آوردند.

ظهور رقبا و فناوری‌های ویرانگر

از حدود دوهه پیش، این نظم دچار خوردگی شد. اتحادیه اروپا با معرفی یورو در دهه ۱۹۹۰، توانست نزدیک به یک‌سوم سهم دلار از ذخایر جهانی را تصاحب کند. هم‌زمان، ظهور چین به عنوان یک غول اقتصادی مستقل برخلاف ژاپن که متحدی وابسته به غرب بود، معادلات را تغییر داد. بحران مالی ۲۰۰۸، نقطه عطفی بود. پکن که بزرگ‌ترین ذخایر دلاری جهان را در اختیار داشت، دریافت که سیاست‌های انبساطی واشنگتن، عملاً روتش را در معرض تورم و کاهش ارزش قرار می‌دهد.

از آن زمان، رهبر چین استقلالی مالی را با ابزارهایی چون پیمان‌های پولی دوجانبه، سیستم پرداخت فرامرزی خود (سی‌آی‌آی‌اس) و مالی (اف‌آی‌آف) که خود آمریکا در همین مقطع، فناوری دفاتر کل توزیع‌شده (دی‌ال‌تی) و ارزهای

سرکوب مزد، سفره کارگران را کوچک کرده است

یک نماینده مجلس با بیان اینکه سیاست‌های دستمزدی دولت در سال‌های اخیر، با بیپشتنهاد کمتر از تورم، عملاً به «سرکوب سیستماتیک مرز» تبدیل شده است، گفت: این سرکوب نه تنها سفره کارگران را کوچک‌تر کرده، بلکه محور خروج سرمایه انسانی از کشور را روشن کرده و زنگ خطر اصلی جایی به صدا درآمده است که کارگران ماهر، راه‌کشورهای همسایه را در پیش گرفته‌اند.

به گزارش ایثنا، احمد نادری، نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون اجتماعی و هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی با رد صریح، قاطع و بی‌قیدوشرط پیش‌نهاد افزایش زیر ۵۰درسی حقوق کارگران، گفت: این پیشنهاد نه یک راه‌کار عملی و منصفانه، بلکه نشانه‌ای از «کج‌فهمی عمیق» دولت از جایگاه والای کارگر و نادیده گرفتن نقش بی‌بدیل این قشر زحمتکش در چرخه تولید، اشتغال و توسعه کشور است.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس ادامه داد: ایجاد شکاف فاحش و غیرقابل میان‌افزایش پیشنهادی دولت و تورم واقعی که به‌ادغان کارشناسان و مراجع رسمی بالای ۵۰ درصد است را مصداق بارز و آشکار «سرکوب مرزی» و عقب‌ماندگی هرچه بیشتر قدرت خرید کارگرانی می‌دانم که با حداقل دریافتی، بار اصلی معیشت خانواده‌های خویش را به دوش می‌کشند، در حالی که امروز حتی اگر دستمزدها متناسب با تورم افزایش یابد، باز هم به خط فقر نخواهد رسید؛ چه رسد به ارقام ۲۰ تا ۴۵ درصدی که عملاً به معنای حذف تدریجی کارگر از سد معیشت و کوچک‌تر شدن هر روزه سفره آنان است.

پارادوکس «دلار گران و مزد ارزان»؛ دولت به جای داور، کارفرمای دینفع است

نادری با بیان اینکه من دولت را «بانی وضع موجود» می‌دانم؛ تصریح کرد: با تأکید بر این باورم که دولت محترم به جای ایفای نقش حکم‌بی‌طرف داور منصف در شورای عالی کار، به دلیل تعارض منافع آشکار ناشی از بزرگ‌ترین کارفرمای کشور بودن، عملاً منافع کارگران را فدای کنترل کسری بودجه و کاهش هزینه‌های جاری خویش کرده است. از یک سو با سیاست‌های ارزی و تجاری تورم‌زا، هر روز بر دامنه گرانی و فشار بر معیشت مردم می‌افزاید و از سوی دیگر با شعار انقباض مالی و کنترل تورم از طریق مهار دستمزدها، خود را مدافع ثبات اقتصادی جامی زند و این همان تناقض «دلار گران و مزد ارزان» است.

با «عقب‌ماندگی مرزی انباشته» و تاریخی در حق کارگران

مواجهه‌های نادری با بیان اینکه بر این باورم که امروز با «عقب‌ماندگی مرزی انباشته» و تاریخی در حق کارگران مواجهیم، اضافه کرد: انباشتی از سال‌ها کاهش مستمر قدرت

دیجیتالی مانند بیت‌کوین نیز متولد شدند. این فناوری‌ها، فلسفه وجودی سیستم‌های متمرکز بانکی غرب را به چالش کشیدند و چشم‌انداز تبادلات همتا به همتا و فراسوی مرزها را گشودند.

تحریم؛ شوک بیدارباش با عاملی برای شتاب؟

ایران در یک دهه و نیم اخیر، آماج شدیدترین رژیم‌های تحریمی بوده است اما نگاهی دقیق به تحولات جهانی نشان می‌دهد که روند دلارزدایی و حرکت به سوی نظم نوین، پیش‌تر و مستقل از پرونده هسته‌ای ایران آغاز شده بود. کشورهای غصو گروه بریکس که تحت تحریم نبودند، برای کاهش ریسک نوسانات دلار و وابستگی به سیستم مالی تحت کنترل آمریکا، به این سمت حرکت کردند.

با این حال، تحریم‌ها برای ایران حکم توفیق اجباری را داشتند. این فشارها، تهران را زودتر از موعد به سوی خودکفایی کشورها از خواب غفلت بیدار کرد و این درک را ایجاد کرد که پیوستن به نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی (دبلیوتی‌او) یا پذیرش استانداردهای سیستم پرداخت فرامرزی خود (سی‌آی‌آی‌اس) و مالی (اف‌آی‌آف) که خود آمریکا در حال تضعیف یا استفاده ابزاری

از آنهاست نمی‌تواند راهگشا باشد.

تجربه دو دهه مذاکره نشان داد که در جنگ تحریمی، طرف مقابل هزینه‌ای نمی‌پردازد و آتش بس معنایی ندارد. راه‌حل، بی‌اثر کردن ابزار تحریم است.

ایران در آستانه نظم نوین؛ ظرفیت‌ها و راهبردها

ایران با داشتن تنها یک درصد از جمعیت و اقتصاد جهان، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک (چهارراه انرژی و ترانزیت) و عمق تمدنی خود، از ظرفیتی فراتر از این اعداد برخوردار است. برخلاف تصور رایج، ایران در حوزه بانکداری الکترونیکی و زیرساخت‌های پرداخت، نه تنها عقب نیست که در برخی شاخص‌ها مانند سرعت تراکنش و حذف اسکناس از بسیاری از کشورهای منطقه و حتی توسعه یافته پیشی گرفته است. نمونه اخیر این توانمندی، مذاکرات فی‌فای اتصال شبکه بانکی ایران (شتاب) به شبکه میروسیه بود.

طرف روسی که ابتدا به دنبال عضویت ایران در شبکه خود بود، پس از بررسی‌ها، برتری و بلوغ زیرساخت ایران را پذیرفت و مدل اتصال شبکه به شبکه جایگزین شد. این موفقیت، الگویی برای تکرار با کشورهای همسایه، به‌ویژه عراق و افغانستان که میزبان میلیون‌ها شهروند خود هستند، فراهم می‌کند.

راهبرد کلیدی در این میان، ایجاد تقاضای مبادلاتی برای ریال است. ایران باید در تجارت با شرکای اصلی خود (چین، روسیه، عراق) استفاده از ریال در مبادلات دوجانبه را به عنوان یک شرط اساسی مطرح کند. این گام مستقیم، به تقویت ارزش پول ملی و کاهش اثرات تورمی کمک خواهد کرد.

بِقادر گروه‌گذار از انتقال

نگاهی به تاریخ مذاکرات بین‌المللی، از کنفرانس برتون وودز تا جنگ عراق، نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی ایران اغلب فاقد درک عمیق از منازعات پشت‌پرده بوده است.

نمونه بارز، مخالفت فرانسه و آلمان با حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ بود که ریشه در تصمیم صدام حسین برای فروش نفت به یورو داشت، نه صرفاً صلح طلبی. بزرگ‌ترین خطای راهبردی ایران در یک دهه و نیم گذشته، تمرکز بر رفع تحریم از مسیر امتیازدهی بوده است. اگر تهران در این سال‌ها، به موازات مذاکرات، بر موج جهانی دلارزدایی سوار می‌شد وزیرساخت‌های مالی مستقل خود را تقویت می‌کرد، امروز آمریکا برای جلوگیری از شتاب گرفتن این روند، خود ناچار به عقب‌نشینی بود.

نظم نوین جهانی در حال تکوین است و جایگاه‌ها در حال بازتعریف. برای ایران، ورود فعال به این معماری جدید یا تکیه بر زیرساخت‌های فنی، موقعیت ژئوپلیتیک و نیروی انسانی یک انتخاب برای پیشرفت نیست که شرط بقا است. مسیر پیش‌رو، گذار از انتقال و انتظار، به سمت تحریم‌ناپذیری از طریق ایجاد زنجیره‌های پولی منطقه‌ای و ایفای نقش فعال در زنجیره ارزش مالی فرادست.

ایران در یک دهه و نیم اخیر، آماج شدیدترین رژیم‌های تحریمی بوده است اما نگاهی دقیق به تحولات جهانی نشان می‌دهد که روند دلارزدایی و حرکت به سوی نظم نوین، پیش‌تر و مستقل از پرونده هسته‌ای ایران آغاز شده بود

نیروی کار مسیر سود و زیان را انتخاب می‌کند، دیگر وطن پرستی یا سخگوی شکاف دستمزد و هزینه زندگی نیست. اگر دولت به جای مهار تورم از طریق سرکوب مزد، اراده‌ای برای اصلاح سیاست‌های ارزی پولی نداشته باشد، این هشدار را باید جدی بگیرد که کارگران ایران، کارگاه‌های ایران را ترک نمی‌گویند؛ آن‌ها به دنبال کارگاه‌هایی می‌روند که ارزش دانش فنی و تجربه آن‌ها را به رسمیت بشناسد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس دوگانه «سرکوب مزدی» و «حذف ارز ترجیحی» را عامل ناراضیاتی اجتماعی خواند و گفت: بهمن‌ماه سال گذشته (۱۴۰۲) نیز بنده نسبت به تباه سیاست‌های سرکوب مرزی و انگای دولت به شیوه درمانی هشدار دادم و تأکید کردم که ادامه این روند، امنیت معیشتی کارگران را هدف قرار داده و دانه‌ها را ضایعی و اعتراضات کارگری را گسترش خواهد داد. متأسفانه امروز شاهدیم که همان سیاست‌ها نه تنها اصلاح نشد، بلکه با شدت بیشتری در لایحه بودجه ۱۴۰۵ دنبال می‌شود و نتیجه آن پیش از این در اعتراض‌های قشر زحمتکش کارگر در سال جاری خود انباشان داد.

حذف ارز ترجیحی و نگرانی جدید در دغدغه‌های معیشت کارگران

نادری اضافه کرد: در کنار این، رزمه‌های حذف ارز ترجیحی و تکرار تجربه تلخ‌های گذشته، نگرانی جدیدی بر دغدغه‌های معیشتی کارگران افزوده است؛ سیاستی که اگر بدون تمهیدات جبرانی و افزایش واقعی دستمزدها اجرا شود، به معنای جهش تازه در قیمت کالاهای اساسی، مسکن و حمل‌ونقل خواهد بود و سفره کارگران را بیش از پیش کوچک می‌کند؛ اما آنچه تلخ‌تر و تأسف‌بارتر است، این است که در سال جاری، گروهی از اغتشاشگران و عناصر فرصت‌طلب که هیچ نسبتی با دغدغه‌های معیشتی و صنفی جامعه کارگری ندارند، از بطن همین اعتراضات به حق و قانونی کارگران سوءاستفاده کردند و با نفوذ در صفوف معترضان، چهره خشونت و آشوب را بر حرکت آرام و مطالبه‌گرایانه کارگران زحمتکش تحمیل کردند.

وی با تأکید بر سوءاستفاده سودجویان از اعتراضات به حق صنفی و کارگری، به‌ویژه در وقایع اخیر به‌خانه ملت گفت: همان کارگران هستند که سال‌ها در کارگاه‌های دستمزد متناسب با تورم، سیاست‌های جبرانی حذف ناگهانی ارز ترجیحی و حفظ حداقل‌های زندگی بودند،

وطن پرستی دیگر یا سخگوی شکاف دستمزد و هزینه زندگی نیست نادری با اعلام اینکه این مهاجرت خاموش، پیامی روشن دارد، گفت: وقتی یک کارگر ماهر می‌بند درآمد ماهانه‌اش حتی کافی رفت و آمد و یک وعده غذای ساده را نمی‌دهد. منطق ساده اقتصاد می‌گوید اگر تفاوت درآمد در دو سوی مرز از حدی فراتر رود، مهاجرت دیگر یا سخگوی شکاف دستمزد و هزینه زندگی نیست

نادری با اعلام اینکه این مهاجرت خاموش، پیامی روشن دارد، گفت: وقتی یک کارگر ماهر می‌بند درآمد ماهانه‌اش حتی کافی رفت و آمد و یک وعده غذای ساده را نمی‌دهد. منطق ساده اقتصاد می‌گوید اگر تفاوت درآمد در دو سوی مرز از حدی فراتر رود، مهاجرت دیگر یا سخگوی شکاف دستمزد و هزینه زندگی نیست